

نقش زنان
در ایجاد امنیت اخلاقی و اجتماعی
از منظر قرآن و روایات

دکتر سید عزت الله احمدی^۱

ملکه یعقوبی^۲

۱. دکتری معارف اسلامی

۲. ماستری تفسیر و علوم قرآن

چکیده

امنیت اخلاقی همان فضایل انسانی است که عمل کردن به آن زمینه‌ساز آرامش فکری، روحی و روانی بوده و باعث تحکیم امنیت اجتماعی همه افراد بشر، به‌خصوص بانوان می‌شود و جامعه‌ای که امنیت آن در همه ابعاد (فردی، اجتماعی، سیاسی، معنوی و اقتصادی و...) کامل باشد؛ فساد و ناهنجاری‌های اخلاقی کاهش خواهد یافت. علاوه بر آن، ثبات خانواده نیز تأمین می‌گردد. راه‌کارهایی که در دین مقدس اسلام جهت ایجاد و تقویت امنیت اخلاقی بیان گردیده، عبارتند از حفظ حجاب و عفت بانوان و اجتناب از پوشش نامناسب و سخنان ناپسند...؛ قرآن کریم و روایات اهل بیت (ع)، با توجه به ظرفیت‌ها و استعدادهای ظاهری و درونی مردان و زنان؛ مرزها و حدودی را بیان کرده است و ملاک برتری انسان را رعایت این مرزها یا عمل کردن به وظایف یعنی تقوا دانسته است.

واژگان کلیدی: امنیت اخلاقی، خانواده، جامعه، زنان، قرآن، روایات.

مقدمه

امنیت دارای ابعاد زیادی مانند فردی، سیاسی، ملی، اجتماعی و اخلاقی و غیره بوده که هر کدام از اهمیت خاصی برخوردار است و یکی از نیازهای اصلی است که جامعه انسانی در همه ابعاد، به خصوص، در بعد اخلاقی و اجتماعی به آن نیاز مبرم دارد. افراد در جامعه از جهت اخلاقی باید ایمن باشند یعنی همان‌طور که جان انسان‌ها به امنیت نیاز دارد و کسی حق تعرض به آن را ندارد، از جهت اخلاق نیز باید مصونیت داشته باشند. از آنجا که زنان نیم از پیکره اجتماع را تشکیل می‌دهند و بدون حضور زنان، جامعه نمی‌تواند کارکردهای مورد انتظار را انجام دهد، ضرورت دارد که امنیت اخلاقی این گروه عمده اجتماعی مورد تأمل قرار گیرد و بررسی شود که قرآن کریم و روایات چه راهکارهایی را برای تأمین امنیت اخلاقی زنان بیان کرده است.

آرامش اجتماعی نمی‌تواند بدون امنیت فکری و روانی به وجود آید و یا پایدار بماند؛ چون از نظر روان‌شناختی، حرکات بیرونی و فیزیکی انسان، مبتنی بر حرکات درونی او که همان اندیشه و فکر اوست، می‌باشد. آشفته‌گی فکری و درونی نمودی جز بی‌نظمی بیرونی و نابسامانی اخلاقی ندارد و به این جهت، حفظ نظام فکری، اخلاقی و فرهنگی افراد و انسجام آن مقدم بر ایجاد نظم اجتماعی آنان است.

به همین دلیل، از منظر متون اسلامی، «امنیت و آرامش» یکی از بزرگ‌ترین و گواراترین نعمت‌های الهی است که با نعمت تندرستی و سلامت برابری می‌کند و تمام مردم به آن نیاز دارند و بدون آن، شادی در زندگی بی‌مفهوم است؛ با وجود این، کمتر کسی قدر این نعمت بزرگ را می‌داند. امنیت اخلاقی ابزار درونی و پیش‌گیرانه برای مقابله با ناامنی در جامعه است و افراد جامعه، خصوصاً خانم‌ها، بیشتر خودشان را مصون احساس می‌کنند؛ بنابراین، لازم است که راهکارهای آن از منظر منابع اسلامی مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. اخلاق

«اخلاق» جمع «خُلُق» کلمه عربی است که مرادف فارسی آن «خُوی» است. «خُلُق» و «خُوی» به معنای صفات و ویژگی‌های نفسانی و روحی آدمی است. چه خوب باشد یا بد. خُلُق بر چهره ظاهری، خُلُق و خُوی بر صفات و ویژگی‌های نفسانی گفته می‌شود. در قرآن کریم، در ستایش پیامبر گرامی اسلام آمده است: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ (قلم، آیه ۴)، [رفتار] تو [استوار] بر خصلت‌های بزرگ است.» از همین رو، به کسی که صفات و ویژگی‌های نیک دارد، خوش‌اخلاق و نیک‌خو و به کسی که صفات و ویژگی‌های ناپسند دارد، بداخلاق و بدخُوی گفته می‌شود. خُلُق و خُوی به دو دسته فضیلت یا خُوی‌های نیک و رذیلت؛ یعنی خُوی‌های بد تقسیم می‌شود. بر همین اساس علم اخلاق چنین تعریف شده است: «شناخت صحیح از ملکات خوب نفس و فضایل اخلاقی از رذایل و ملکات بد و تلاش در اتصاف به اول و اجتناب از اخیر به قصد عبودیت یا حریت.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ص ۵۲۳).

۲-۱. امنیت اخلاقی

امنیت حاصل مصدر برگرفته از واژه (امن) عربی است. امن ضد ترس و به گفته برخی نقیض آن است (ابن منظور، ۱۴۱۴، واژه امن). برخی امنیت را به معنای رهایی از ترس احتمالی یا فعلی و احساس تهدید و خطر دانسته‌اند؛ بنابراین، امنیت، حالت نفسانی و احساس درونی است که با منشأ و خاستگاه خارجی در درون انسان شکل می‌گیرد. البته این گونه نیست که این احساس باطنی و درونی، اعتباری باشد، بلکه امری حقیقی در درون انسان با خاستگاه خارجی است. وقتی شخص احساس امنیت می‌کند که خود را در حالتی می‌بیند که هیچگونه تهدید فعلی یا احتمالی را نمی‌بیند.

آموزه‌های قرآنی، ایمان به اسلام را ایمان دانسته است؛ زیرا ایمان، امنیت

حقیقی و پایدار در دنیا و آخرت را برای آدمی به ارمغان می‌آورد و هرگونه ترس از خشم الهی و افتادن در آتش دوزخ را ازدل فرد می‌رباید. (انعام، آیه ۸۱-۸۲؛ نحل، آیه ۱۱۲؛ سباء، آیه ۳۷).

با توجه به ترکیب دو واژه امنیت و اخلاق می‌توان گفت که مراد از امنیت اخلاقی فراهم آمدن فضایی است که شخص از نظر نفسانی احساس می‌کند که اصول اخلاقی او مورد تهدید و خطر از سوی دیگران نیست.

البته با نگاهی به آموزه‌های قرآنی به سادگی می‌توان دریافت که امنیت اخلاقی دامنه گسترده‌ای دارد که نباید آن را محدود به امنیت اخلاق جنسی کرد، بلکه فقدان امنیت اخلاقی در حوزه اخلاق اقتصادی، اخلاق قضایی، اخلاق خانوادگی و مانند آن‌ها به معنای رشد نابهنجاری‌ها، ضدارزش‌ها و رذایل در جامعه خواهد بود. اگر امنیت اخلاق نظامی وجود نداشته باشد و به جای شجاعت، ترس در درون سربازان ریشه گیرد، امنیت اخلاقی جامعه از این جهت مخدوش خواهد شد. اگر اعتماد در داد و ستدها از میان برود و یا به جای امانت‌داری و وفاداری، خیانت و بی‌وفایی جایگزین شود، نمی‌توان از امنیت اخلاقی جامعه سخن گفت. ازاین‌رو، در آموزه‌های قرآنی، به امنیت اخلاقی جامعه در همه ابعاد توجه شده است.

به‌خصوص، تعامل ایمان و امنیت به‌خوبی در قرآن نمایانده شده و براین واقعیت پافشاری گردیده است که امنیت واقعی و سرچشمه اصلی آن در امنیت معنوی و آن نیز در ایمان به خدا و کسب رضای الهی محقق خواهد شد. از دیدگاه قرآن، امنیت دنیایی نسبی بوده و امنیت واقعی در جهان آخرت است و مؤمن اگرچه در دنیا به ناامنی‌های ظاهری دچار شود، ولی قبلاً به پشتوانه مدد الهی دارای امنیت و آرامش معنوی است و این امنیت ریشه همه امنیت‌ها و آرامش‌هاست. قرآن امنیت را از برکت‌های الهی بر مؤمنان و مایه افزایش ایمان آن‌ها می‌داند و می‌فرماید «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ»، او کسی است که آرامش را در دل‌های مؤمنان نازل کرد تا

ایمانی بر ایمان‌شان بیفزایند (فتح، آیه ۴).

۲. چگونگی حضور مؤثر زنان در جامعه اسلامی

دین مقدس اسلام به عنوان کامل‌ترین دین، برای تمام ابعاد زندگی بشر، اعم از مردان و زنان، راهکارها و قوانینی را تعیین نموده است، در صورتی که به آن جامعه عمل پوشانده شود، نه تنها خود افراد از هرگونه فسادهای ضد اخلاقی و اجتماعی، مصون می‌ماند، بلکه یک جامعه سالم را نیز ایجاد خواهد شد. در این جا، راه‌کارهایی که براساس شریعت اسلامی، برای حضور زنان در جامعه مؤثرند؛ مورد بررسی صورت می‌گیرند.

۱-۲. حجاب

یکی از راه‌کارهایی که قرآن برای ایجاد و صیانت از امنیت اخلاق جنسی بیان کرده، حفظ حجاب است. از نظر قرآن، حجاب می‌تواند عامل صیانت جامعه از بحران هرزگی جنسی شود.

هر جامعه‌ای گروهی از افراد به دلایلی به دنبال هرزگی جنسی می‌روند؛ از جمله این افراد می‌توان به کنیزکان و بردگان در دوران گذشته و افراد پست و خودفروش در جامعه امروز اشاره کرد. از نظر قرآن کسی که می‌خواهد خود را از این گروه جدا کند باید حجاب را به عنوان عاملی بازدارنده انتخاب کند؛ زیرا وقتی زنی حجاب را کنار می‌گذارد و اندام‌های جنسی خود را در معرض دید دیگران قرار می‌دهد، خواهان بهره‌مندی دیگران از آن در اشکال گوناگون از جمله ارتباط جنسی است.

بنابراین، کسی که حجاب را بر می‌گزیند خود را از این گروه جدا می‌کند. لذا حجاب عامل جداسازی دو گروه زنان پاکدامن و بی‌عفت از یک دیگر است. از آیه ۵۳ سوره احزاب به دست می‌آید که یکی از علل و فلسفه تشریع حجاب از سوی خدا حفظ مؤمنان پاکدامن از دیگر اقشار جامعه است. «حجاب ابزاری است که مؤمن پاکدامن را از زن هرزه و فاحشه و کنیز جدا می‌کند.» طبرسی،

مجمع البیان، ج ۷-۸، ص ۵۸۰؛ آلوسی، روح المعانی، ج ۱۲، ص ۱۲۹).

۲-۲. اجتناب از پوشش نامناسب

یکی دیگر از عواملی که امنیت اخلاق جنسی جامعه را تهدید می‌کند، پوشش نامناسب مردان و زنان است. از آنجا که بدن زنان به‌طور طبیعی از محرکات جنسی است، پوشاندن آن اهمیت فوق‌العاده‌ای برای صیانت از اخلاق جنسی جامعه دارد. از همین رو، در اسلام بر پوشش کامل زن تأکید شده، به‌طوری که چادر و پوشش سرتاسری به‌عنوان حجاب زنان مطرح شده است. (احزاب، آیه ۵۹-۵۳). اگر صورت و کف دست استثنا شده در صورتی است که زیبایی آن عامل تحریک نباشد؛ اما اگر چنین باشد، بر زن است که آن را نیز بپوشاند.

۲-۳. اجتناب از سخنان ناپسند و منکر

اگر جامعه‌ای بخواهد امنیت اخلاقی داشته باشد باید نوع ادبیات مردان و زنان در هنگام ارتباط کلامی براساس سخنان معروف و پسندیده باشد. بنابراین گفتن جوک و شوخی‌های نامتعارف و کلمات زشت تحریک‌آمیز و مانند آن می‌تواند امنیت اخلاقی جامعه را در معرض خطر قرار دهد (احزاب، آیه ۳۲).

۲-۴. پرهیز از تبرج و برجسته‌سازی اندام‌های جنسی

از دیگر عوامل مؤثر در امنیت اخلاق جنسی جامعه، اجتناب از تبرج و برجسته‌سازی اندام‌ها است. خداوند از مؤمنان خواسته تا برای حفظ و ایجاد امنیت اخلاق جنسی، از تبرج جاهلی که برجسته‌سازی اندام‌های جنسی با ابزارهایی گوناگون بوده است، پرهیز کنند (احزاب، آیه ۳۳).

امروز در غرب زنان فاحشه با برجسته‌سازی اندام‌های جنسی و نشان دادن آن تلاش می‌کنند تا درآمدی کسب کنند و ارتباط جنسی داشته باشند.

انواع ساتن و پوشش‌های تنگ و برجسته‌ساز و حتی انجام عمل جراحی برای افزایش و برجسته‌سازی اندام‌های جنسی از جمله شیوه‌هایی است که در غرب به‌کار گرفته می‌شود.

این همان تبرج جاهلی است که بر اساس فقدان عقلانیت در یک جامعه انجام می‌شود و امنیت اخلاق جنسی جامعه را به مخاطره می‌افکند. از نظر قرآن، پوشاندن گردن و گلو ضروری است و زنان پاکدامن با این کار، خود را در مسیر تقوای الهی قرار داده و پاکدامنی و عفت خود را با این رویه اخلاقی و حیاورزی حفظ کرده و خیر و صلاح خود و جامعه را رقم می‌زنند (نور، آیه ۶۰؛ احزاب، آیه ۵۵).

۲-۵. پرهیز از آشکارسازی زینت‌های طبیعی و غیرطبیعی

یکی از عوامل مؤثر در امنیت اخلاق جنسی پرهیز زنان مؤمن و پاکدامن از آشکارسازی زینت‌های طبیعی و غیرطبیعی است. زینت‌های طبیعی همان اندام‌های جنسی است که تحریک‌آمیز است و مردان را برمی‌انگیزاند تا عمل جنسی داشته باشند؛ زینت‌های غیرطبیعی مانند زیورآلات و لباس‌های رنگارنگ تحریک‌آمیز و پوشش‌های زیبا از ابزارهایی است که تحریک جنسی را دامن زده و امنیت اخلاق جنسی جامعه را با خطر مواجه می‌سازد. (نور، آیه ۳۱). در روایتی از امام باقر (ع) عبارت: «ما ظهر منها» به لباس، سرمه چشم، انگشتر، حنای دست و دست‌بند تفسیر شده است. (قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۰۲؛ بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۳۰).

باید یاد آور شد که در آیات ۳۱ و ۳۲ سوره نور همان‌طوری‌که از آشکار کردن آرایه‌های از این دست نهی شده از آشکار کردن مواضع آن‌ها نیز پرهیز داده شده است. پس این گونه نیست که زن تنها گوشواره را نشان ندهد، بلکه باید گوش خود را نیز در معرض نمایش نامحرم قرار ندهد؛ زیرا هردو عامل تحریکی مردان است و باید از آن اجتناب کرد تا خود و جامعه را در امنیت اخلاقی نگهدارند. پس پوشاندن موی سر، سینه و گردن و گلو و مانند آن نیز لازم و ضروری است.

۲-۶. پرهیز از چشم‌چرانی

از دیگر عوامل مؤثر در صیانت از امنیت اخلاقی جامعه، اجتناب از نگاه‌های

تیز است. قرآن فرمان می‌دهد تا زنان و مردان مؤمن برای حفظ پاک‌دامنی و عفت خویش و امنیت اخلاقی چشمان خویش را فرو نهند و با چشم فرو بستن و پرهیز از نگاه‌های مستقیم و تیز، خود و جامعه را حفظ کنند (نور، آیه ۳۱-۳۲). همان‌طوری برای حفظ و صیانت از امنیت اخلاقی از نگاه‌های تیز و مستقیم به نامحرمان از زن و مرد پرهیز داده شده، همچنین از چشم‌چرانی و نظربازی بر حذر داشته است تا این‌گونه امنیت اخلاقی جامعه حفظ و صیانت شود. (همان)

۳. مرزهای حضور اجتماعی زنان از دیدگاه قرآن و روایات

یکی از احکام و قوانین اسلام، مرزهایی است که حدود فعالیت انسان‌ها را در محدوده‌های مختلف، از جمله در اجتماع معین می‌کند.

اسلام برای حضور اجتماعی زنان هم مرزهایی معین کرده است که مطابق با فطرت سالم انسانی و سرشت پاک زن است. برای شناختن مرزهای حضور اجتماعی زنان باید آن را از شرع مقدس اسلام آموخت که چیزی جز آنچه فطرت انسان می‌پسندد و تأیید می‌کند، نیست.

و همچنین برای انسان عزّتی خاص قائل است: «لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسرا، آیه ۷۰) تا آن‌جا که او را خلیفه الله قرار داد: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره، آیه ۳۰) اما فطرت او را چنان سرشت که به تنهایی نتواند زندگی کند و به حیات خود ادامه دهد؛ بنابراین زن و مرد دو عضو یک اجتماع زیبا به نام خانواده و هر دو به حکم فطرت، جویای کمال بیشتر و هر چه بهتر این واحد اجتماعی کوچک هستند. به نسبت استعدادهای فطری، برای خود وظایف و حقوقی قائل‌اند.

شریعت مقدس اسلام بر اساس استعدادهای درونی زن و مرد و با توجه به توانمندیهای خاص آنان، قانون احکام خانواده و مرزهای حضور اجتماعی و وظایف و حقوق زن و مرد را دقیقاً معین کرده و عمل کردن به آنها را، ضامن به کمال رسیدن و به سعادت رسیدن خانواده و اجتماع دانسته است.

شرع مقدّس برای زن و مرد، نسبت به استعدادهای فطری و توانمندی‌های درونی، روحی و جسمی آنان، وظایفی مخصوص و حدّ و مرزهایی قائل شده که حفظ و رعایت این مرزها، ضامن بقا و امنیت و آرامش و بالندگی خانواده است. مرزهای حضور اجتماعی زن، پاسخگویی به ندای فطرت سالم و سرشت انسان و میل باطنی او به داشتن خانواده‌ای دارای امنیت و آرامش می‌باشد.

زن و مرد به دلیل تفاوت‌های فطری، هریک نقش خاص و متفاوت با دیگری را عهده‌دار می‌شوند. به همین جهت، اسلام در وظایف و تکالیف اجتماعی که قوامش به تعقل یا احساس است، میان زن و مرد تفاوت‌هایی گذاشته است. ولایت، قضاوت و جنگ را که احتیاج مبرم به تعقل و صلابت دارد، به مردان، پرستاری، پرورش نوباوگان و تدبیر خانه را به زنان واگذار نموده است (طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۳۸۶)

گرچه زن و مرد به لحاظ انسان بودن، در پیشگاه خداوند هیچ امتیازی بر یکدیگر ندارند. (تساوی در حقوق معنوی) اما به لحاظ عمل به وظیفه، هریک به نسبت توانمندی خاصّ خود وظایفی خاص برعهده دارند و ملاک برتری هریک به دیگری در عمل کردن وظیفه، یعنی حفظ حدود و مرزهایی است که خداوند برای آنان معین کرده است؛ «أَنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقٰیكُمْ». (حجرات، آیه ۱۳). اسلام به بهترین وجه، به ندای وجدان و فطرت انسان در تمامی ابعاد آن پاسخ گفته است؛ و با توجه به این ندای فطری و نیازهای درونی زن و مرد، کاملاً عادلانه و با حفظ عزّتمندی هریک از آنان، مرزهای فعالیت و حقوق هر کدام را دقیقاً رعایت کرده است «أَنّی لَا أُضِیْعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ اُنْثٰی». (آل عمران، آیه ۱۹۵) یعنی عمل هیچ عمل کننده‌ای ضایع نمی‌شود.

زن و مرد در مقابل حقوق انسانی، کاملاً مساوی هستند و اجرشان محفوظ است. از طرف دیگر، با توجّه به اختلاف روحی و جسمی و خواسته و نیاز فطری آنان، می‌فرماید: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» (نساء، آیه ۳۴) مردان سرپرست زنانند، به سبب

برتری‌هایی که خداوند برای بعضی نسبت به بعض دیگر قرار داده است و به دلیل هزینه مالی که انجام می‌دهند.

حضور اجتماعی زنان از منظر اسلام، به سه دسته تقسیم شده است:

۱. ممنوع: اموری که اسلام از شرکت و حضور زنان منع کرده است و با طبع و فطرت زنان سازگار نیست؛ همچون: حکومت، قضاوت، جنگ و کارهای سنگین و طاقت‌فرسای دیگر.

۲. واجب: اموری که اسلام نه تنها از حضور زنان با رعایت و حفظ حجاب و حق خانواده منع نکرده، بلکه در صورت ضرورت و نیاز اجتماع، واجب کرده است؛ چون تحصیل علوم و معارف الهی، تعلیم و تعلّم، پرستاری از بیماران و مجروحان، پزشکی مخصوص زنان، آموزش و پرورش دختران و نوباوگان و تمام کارهای خاصّ زنانه و هریک از ضرورت‌های اجتماعی دیگر؛ که اسلام نه تنها با کارکردن زنان مخالف نیست، بلکه آنان را به کار کردن، تشویق نموده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «سه چیز حجاب‌ها را پاره می‌کند و به پیشگاه عظمت حق می‌رسد:

۱. صدای گردش قلم دانشمند به هنگام نوشتن. (تلاش فرهنگی)

۲. صدای قدمهای مجاهدان در میدان جهاد. (تلاش دفاعی)

۳. صدای چرخِ ریسندگی، زنان پاکدامن. (تلاش اقتصادی)

و نیز فعالیت سالم اقتصادی زنان را در ردیف شریف‌ترین کارها دانسته است.

بنابراین، اساس یک اجتماع سربلند انسانی را، سه چیز تشکیل می‌دهد:

(الف) دانش، (ب)، جهاد، (ج)، کار و کوشش.

۳. مباح: کارهایی که گرچه حضور زنان در آنها ممنوع نیست، اما زنان به انجام آنها تشویق هم نشده‌اند. اگر ضرورتی در کار نباشد، بهتر است کمتر حضور پیداکنند؛ که این دسته، نیاز به دقت زیاد و رعایت شئونات خانواده و

اجتماع دارد.

اسلام برای این قسم هم حدّ و مرز معین کرده است، حضور زنان را به کلی ممنوع نکرده، اما به آن‌ها سفارش کرده است تا ضرورت نباشد، از حضور در اجتماعات خارج از خانه پرهیز کنند.

اسلام بهترین و عالی‌ترین وظیفه را برای زنان، اهتمام به امور خانه و خانه‌داری دانسته است.

حضرت فاطمه زهرا (س)، الگوی زنان عالم فرمود: «نزدیک‌ترین حالات زن به خدا، آن است که ملازم خانه خود باشد و بیرون از خانه نرود.» (قمی، منتهی الآمال، ص ۱۳۴). امام علی ص فرمود: «جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۵۲) جهاد زن، خوش شوهرداری کردن است.

استقلالی که زن در دارایی خود دارد و فقه شیعه از ابتدا آن را محترم شناخته است، در یونان و روم و ژرمن و تا چندی پیش هم در غالب کشورهای جهان وجود نداشت؛ یعنی زن مثل صغیر و مجنون از تصرف در اموال خود، ممنوع بود. در انگلستان که سابقاً شخصیت زن در شخصیت شوهر محو بود دو قانون، یکی در سال ۱۸۷۰ م و دیگری در سال ۱۸۸۲ م. به اسم «مالکیت زن شوهردار» از زن رفع حجر نمود. (شایگان، در شرح قانون مدنی ایران، ص ۳۶۶)؛ همین قانون اخلاق مسیحی را به کارخانه‌داران مجلس عوام وضع کردند تا بتوانند زنان انگلستان را به کارخانه‌ها بکشانند و از نیروی کار ارزان آن‌ها ثروتمند شوند؛ اما تساوی حقوق زن و مرد، برای اولین بار در اعلامیه جهانی حقوق بشر که پس از جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۸ م. از طرف سازمان ملل متحد منتشر گشت، تساوی حقوق زن و مرد صریحاً اعلام شد؛ و در عمل ثابت شد که این تساوی تنها برای سوء استفاده از جنس زن بود.

«ویل دورانت»، فیلسوف و نویسنده معروف تاریخ تمدن می‌گوید: «بزرگ‌ترین حادثه قرن بیستم، دگرگونی وضع زنان بوده است. تاریخ چنین

تغییر تکان‌دهنده‌ای در مدتی به این کوتاهی کمتر دیده است. خانه مقدّس که پایه نظم اجتماعی ما بود، شیوه زناشویی که مانع شهوت رانی و ناپایداری وضع انسان بود، قانون اخلاقی که ما را از «توحّش» به «تمدن» و آداب معاشرت رسانده بود، همه آشکارا در این انتقال پرآشوبی که همه رسوم و اشکال زندگی و تفکر ما را فرا گرفته است، گرفتار شده؛ هنوز هم ناله متفکران غربی از به هم خوردن نظم خانوادگی و سست شدن پایه ازدواج، از شانه خالی کردن جوانان از قبول مسؤولیت ازدواج، از منفور شدن حسّ مادری، از کاهش علاقه پدر و مادر، خصوصاً مادر نسبت به فرزندان، از ابتدال زن دنیای امروز و جانشین شدن هوس‌های سطحی به جای عشق (محبت و مودّت)، از افزایش روز افزون طلاق و... به گوش می‌رسد» (مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۱۵).

۳. راه کارهای قرآن و روایات برای تأمین امنیت اخلاقی زنان در جامعه

زنان نیمی از پیکر جامعه است شخصیت، رفتار، فرهنگ و اندیشه او بی گمان در شکل‌گیری جامعه انسانی نقش مهمی را ایفا می‌کند. آنچه به نقش‌آفرینی مثبت زنان در تحقق امنیت اخلاقی جامعه کمک شایانی می‌کند و باعث سالم‌سازی محیط زندگی می‌شود، رعایت اموری در هنگام حضورشان در اجتماع است.

۳-۱. حفظ حریم‌ها در فعالیت‌های اجتماعی

از آموزه‌های دینی بر می‌آید که اسلام زنان را از شرکت در فعالیت‌های دینی، علمی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی منع نمی‌کند.

به عنوان نمونه قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يَبَايِعْنَكَ ... فَبَايِعْهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (ممتحنه، آیه ۱۲). «ای پیامبر، چون زنان باایمان نزد تو آیند که با این شرط به اتو بیعت کنند ... با آنان بیعت کن و از خدا برای آنان آمرزش بخواه، زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است.» و یا در جای دیگر می‌فرماید: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (توبه، آیه ۷۱) «و مردان و زنان با ایمان، دوستان

یکدیگرند که به کارهای پسندیده و امی دارند و از کارهای ناپسند باز می دارند.»
این آیات حکایت از آن دارند که حضور مثبت زنان در عرصه های سیاسی و مسائل اجتماعی، از جمله قضایایی است که از منظر اسلام مورد قبول بوده و تثبیت شده است. اما این حضور و فعالیت شروط مهمی دارد که عبارتند از رعایت حجاب و عفاف، مراعات مرز محرم و نامحرمی، عدم اختلاط و امتزاج زن و مرد و ترک رابطه بیش از حد ضرورت با یکدیگر و نیز قرار گرفتن زن در نقشی که متناسب با ترکیب جسمانی و روانی آنان است.

یکی از الزامات مهم حضور زنان در فعالیت های اجتماعی و سیاسی، همین التزام به رعایت حجاب و عفاف است تا حریم ها نگه داشته شود. حجاب به معنای پوشش بیرونی و عفاف به معنای پوشش درونی، دو عاملی هستند که باعث سلامت جامعه بوده، در صورت عدم رعایت، مشکلات و اثرات مخرب زیادی در جامعه به وجود خواهند آورد، لذا قرآن کریم به پیامبر اکرم دستور می دهد:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّلزَّوْجِکَ وَبَنَاتِکَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِیْنَ یَدْنِیْنَ عَلَیْھِنَّ مِنْ جَلْبِیْھِھْنَ ذَٰلِکَ اذْنٰی اَنْ یَّعْرِفْنَ فَلَا یُؤْذِیْنَ» (احزاب، آیه ۵۹)؛ ای پیامبر! به همسران و دختران و زن های مؤمنین بگو روسری ها و چادرهای خود را بر خویش بپوشانند (که گردن، سینه، بازوان و ساق ها پوشیده شود) این (کار) نزدیک تر است به آنکه (به حجاب و عفت) شناخته شوند تا مورد تعرض و آزار (فاجران) قرار نگیرند.

چون حجاب خواسته و امری فطری است، توجیه عقلی و منطقی دارد و خالق بشر که بر تمامی اسرار و رموز آفرینش آگاه است، زیبایی، امنیت، رشد و تعالی زن را در حجاب دانسته است. بنابراین، اصولاً پوشش، یک اصل است و این اصل در محیط های مختلف، متفاوت است؛ به طور مثال، کسی که برای جراحی به اتاق عمل می رود، باید لباس مخصوص آن محیط را بپوشد و یا فردی که در خانه

مشغول فعالیت است، باید لباس محیط خود را بپوشد؛ لذا چه مردان و چه زنان که در جامعه فعالیت می‌کنند، باید لباسی بپوشند که در شأن خود و اجتماعی که در آن قرار گرفته‌اند، باشد تا هم به پاکی شناخته شوند و هم از تعرض و آزار افراد بیمار و آلوده در امان باشند و فضای فساد و زمینه جولان تبه‌کاران برچیده شود. براساس پژوهش‌های دینی، تحقیقات مردم‌شناسانه و مطالعات روان‌شناسی، حجاب در سلامت روانی و مصونیت اجتماعی زنان تأثیر چشمگیری دارد. «کاوندی و فومنی، ۱۳۸۹».

حجاب و حریم اسلامی موجب کنترل غرایز، التهابات جنسی و جسمی و نیز مانع از معاشرت‌های بی‌بندوبار می‌گردد که همین امر سلامت اخلاقی جامعه را به ارمغان خواهد آورد. از این رو، قرآن کریم با منع اختلاط و ارتباط بیش از ضرورت زن و مرد نامحرم، به رعایت حریم در معاشرت با نامحرم دستور می‌دهد و می‌فرماید: «وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَلُّوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ» (احزاب، آیه ۵۳)، و چون متاعی (از وسائل زندگی) از آنان (زنان پیامر) خواستید، از پشت پرده بخواهید که این کار پاکیزه‌تر است برای دل‌های شما و دل‌های آنان».

بنابراین، یکی از مهم‌ترین و برترین راه‌های پیش‌گیری از جرائم و فساد اخلاقی و آسیب‌های اجتماعی، رعایت حد و حدود در مواجهه با افراد نامحرم و حجاب و پوشش اسلامی است، البته حفظ حریم‌ها در فعالیت‌های اجتماعی فقط به پوشیدن چادر و داشتن حجاب ظاهری منحصر نیست؛ بلکه هرگونه خلوت کردن با نامحرم، خروج از رفتارهای متین، رفاقت و اختلاط و شوخی کردن با نامحرم، مراقبت نکردن در لحن و محتوای سخن با نامحرم و ... از جمله مؤلفه‌های هستند که رعایت آن‌ها، حریم و فاصله میان زن و مرد در جامعه را حفظ می‌کند. «اسماعیلی و مهدیان، ۱۳۹۳، ص ۲۳، ۱۹۹» در این میان، ابتدا نقش برجسته و تأثیرگذار از آن زنان جامعه است.

اسلام به خطرات ناشی از روابط به اصطلاح آزاد جنسی کاملاً آگاه است. به همین جهت نهایت مراقبت را در برخوردهای زنان و مردان اجنبی دارد، در عین این که به زنان اجازه شرکت در مساجد و محافل را می دهد که با رعایت آداب اسلامی و به همراه عفاف باشد.

پیغمبر (ص) در زمان حیات خویش اراده کرد که در ورودی زنان به مسجد از در ورودی مردان مجزا باشد. روزی اشاره به یکی از درها کرد و فرمود: «لو ترکنا هذا الباب للنساء»؛ یعنی خوب است این در را به بانوان اختصاص بدهیم. بعدها حضرت عمر (رض) صریحاً نهی کرد که مردان از آن در وارد شوند؛ و نیز می گویند پیغمبر اکرم (ص) دستور داد که شب هنگام که نماز تمام می شود اول زنان بیرون بروند بعد مردها. پیامبر دوست نمی داشت که زن و مرد در حال اختلاط از مسجد بیرون روند؛ زیرا فتنه ها در همین اختلاط ها برمی خیزد. رسول خدا برای این که برخورد و اصطکاک رخ ندهد دستور می داد مردان از وسط و زنان از کنار کوچه یا خیابان بروند. (مطهری، مسأله حجاب، ص ۲۱).

همچنین امیرالمؤمنین (ع) به فرزندش امام حسن (ع) چنین توصیه فرمودند: «و اکف علیهن من ابصارهن بحجابک ایاهن فان شده الحجاب ابقی علیهن و لیس خروجهن باشد من ادخالک علیهن من لا یوثق به علیهن و ان استطعت ان لا یعرفن غیرک فافعل» (همان، ص ۲۳۵)؛ یعنی تا می توانی کاری کن که زن تو با مردان بیگانه معاشرت نداشته باشد. هیچ چیز بهتر از خانه زن را حفظ نمی کند. همانطور که بیرون رفتن آنان از خانه و معاشرت با مردان بیگانه در خارج خانه برای شان مضر و خطرناک است. وارد کردن تو مرد بیگانه را بر او در داخل خانه و اجازه معاشرت در داخل خانه نیز مضر و خطرناک است. اگر بتوانی کاری کنی که جز تو مرد دیگری را نشناسد چنین کن.

۲-۳. پرهیز از تبدیل آراستگی و زیبایی به ابتذال اخلاقی

اصل گرایش به زیبایی و زیبادوستی امر فطری است؛ ولی آنچه که در اسلام

ممنوع شمرده شده است، فتنه، فساد و ابتذال اخلاقی از مسیر آرایش تن و پوشش ظاهری است که این امر یکی از بسترهای ناامنی اخلاقی در جامعه می‌باشد. در حقیقت، آنچه مطلوب دین و پسند عقل می‌باشد، آراستگی و پوشش مناسب است، نه آرایش و پوشش توأم با ابتذال و انحراف؛ چرا که خروج از دایره آراستگی و پوشش نامناسب، نشانه اختلالات روحی و آشفتگی درونی است.

ابتذال، انحراف و انحطاط آن زمانی است که مقوله آرایش و زیباسازی و لباس و امثال آن، خارج از دایره خانواده و مشغله اصلی زنان در زندگی گردد و آن‌ها را از وظایف اصلی مادری و همسری غافل و دور سازد. مصرف بی‌حد و مرز و پر ضرر از لوازم آرایشی و پوشیدن لباس‌های نازک و بدن‌نما با الگوهای غربی، در مقابل چشمان پراضطراب جوانان، سلاح برنده‌ای است که به آسانی ذهن دل و دنیای افراد جامعه را به خود مشغول می‌سازد و در این مسیر، همت‌ها و سرمایه‌های فکری و مالی تباه می‌گردد.

سرمایه‌داران بزرگ، سیاست‌مداران خبیث و پلید و گردانندگان دستگاه‌های مخفی استکباری، برای کسب سود بیشتر، به تولید لوازم مصرفی آرایشی برای زنان و کشاندن آن‌ها به ابتذال و وابستگی روی آورده‌اند تا علاوه بر سست کردن بنیان، خانواده‌ها، مردان و زنان آن جامعه را از اندیشیدن، تصمیم صحیح و خلاقیت دور کنند.

توجه بیش از اندازه به آرایش و تجمل، زنان را به مصرف‌گرایی لجام‌گسیخته و ابتذال اخلاقی می‌کشاند و آن‌ها را از واقعیات زندگی و دنیای معنویت دور می‌سازد.

۳-۳. پرهیز از خودآرایی در مقابل مردان

خودنمایی و عرضه زیبایی‌های ظاهری در مقابل چشمان هوس‌آلود دیگران، یکی از عوامل بروز ناامنی اخلاقی در جامعه از جانب زنان است. به این جهت قرآن کریم در راستای سالم‌سازی محیط اجتماعی، به زنان دستور می‌دهد که در

هنگام معاشرت و حضور در جامعه، بر حفظ زینت‌ها و زیبایی‌های خود کوشا باشند و می‌فرماید: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى» (احزاب، آیه ۳۳)؛ و با (وقار) در خانه‌های‌تان قرار گیرید و (در میان مردم) همانند ظهور (زن‌ها) در دوران جاهلیت نخستین (با آرایش و زینت بدون رعایت حجاب) ظاهر نشوید.

«تَبَرَّج» به معنای آشکار شدن در برابر مردم است و از ماده «برج» گرفته شده که در برابر دیدگان همه ظاهر است. منظور از «جاهلیت اولی» همان جاهلیتی است که مقارن با عصر پیامبر اکرم (ص) بوده و همانگونه در تاریخ آمده است در آن موقع زنان حجاب درستی نداشتند و دنباله روستری‌های خود را به پشت سر می‌انداختند، به‌طوری که گلو و قسمتی از سینه و گردنبند و گوشواره‌های آن‌ها نمایان بود و به این ترتیب، قرآن همسران پیامبر را از این‌گونه اعمال باز می‌دارد. بدون شک این یک حکم عام است و تکیه آیات بر زنان پیامبر به‌عنوان تأکید بیشتر است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ص ۲۹۰).

اسلام با عنایت به ارزش بسیار بالای حیا، عفت و غیرت در جامعه اسلامی، به کنترل نگاه حضور در مجامع عمومی و معابر همگانی و... حساسیت دارد و دستور می‌دهد: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَرِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ...» (نور، آیه ۳۱).

«و به زنان با ایمان بگو که چشمان خود را (از نگاه به عورت غیر و بدن مرد اجنبی) فرو بندد و عورت‌های خود را (تمام بدن را غیر از صورت و دست‌ها، از این که در معرض دید اجنبی قرار گیرد) حفظ کنند و زیور و زینت خود و جاهای آن را مانند (گردن، سینه، موهای سر، بازوان و ساق‌های پا) آشکار نسازند، جز آنچه (برحسب ضرورت عرفی) پیداست مانند (لباس‌های رو و صورت و دست‌ها) و باید روستری‌های خود را بر روی گریبان‌ها بزنند (تا گردن و سینه پوشانده شود) و زیور و (جاهای زیور) را بر کسی آشکار نسازند، جز

بر شوهر یا پدر یا پدر شوهرشان...

بنابراین، یکی از راه‌های حفظ عفت در جامعه اسلامی، نهان کردن زینت و جذابیت‌های ظاهری از سوی زنان می‌باشد؛ چرا که آشکار نمودن زینت‌ها و در معرض قرار دادن جذابیت‌های جسمی، بر تشدید التهاب و تشنگی جنسی جوانان می‌افزاید و همین امر برای ایجاد ناامنی اخلاقی و بروز مفاسد اجتماعی در جامعه کافی است.

۳-۴. توجه به زیبایی‌های واقعی

اگرچه جمال و آراستگی ظاهری، افراد را محبوب و دل‌خواه مردم می‌نماید؛ ولی دلرباترین جمال از منظر اسلام، جمال ایمان امام جواد (ع) فرمود: «اللَّهُمَّ زِينَا بِزِينَةِ الْإِيمَانِ وَاجْعَلْنَا هِدَاةً مُهْدِيَيْنِ» (کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۵۴۸).

علم، حیا، ادب، اخلاق و سجایای انسانی است. این جمال است که انسان را کمال حقیقی و عزت واقعی می‌بخشد. براین مبنا، زنان جامعه ما باید برخلاف غربی‌ها که فقط به فکر ظاهر و صورت‌اند، به باطن و سیرت اهمیت بدهند و در کنار زیبایی ظاهری، زیبایی‌های معنوی را نیز به‌دست آورند.

همگان می‌دانند که برخی از زنان و مردان در کشورهای اسلامی و حتی غیراسلامی، ظاهری جذاب؛ ولی باطنی لجن‌آلود و حيله‌گر دارند از این جهت، هراندازه آنان بر ظاهر خود توجه می‌کنند، چندین برابر از انسانیت و معنویت دور می‌شوند؛ زیرا واقعیت این است که برخی از انسان‌ها با توجه افراطی به جسم و لذت‌های ظاهری، از باطن و روح انسانی و لذت‌های معنوی غافل می‌گردند و سرانجام، با تقویت شخصیت شهوانی خود، به سمت حیوانیت، عصیان و گریز از همه سنت‌ها و مقدسات سوق داده می‌شوند. امام علی (ع) درباره زنان و امنیت اخلاقی جامعه هشدار داده است و می‌فرماید: «إِنَّ النِّسَاءَ هُمُ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْفُسَادُ فِيهَا (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۰۸)؛ «همت و تلاش زنان برای دستیابی به زینت زندگی دنیا و فساد و تباهی در آن است.»

قرآن نیز سبک زندگی این افراد را یادآور شده و فرموده است: «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ» (روم، آیه ۷)، «آنها ظاهری از زندگی دنیا را می‌دانند (آنچه حس می‌کنند و از آن برخوردارند، در نزد آنها هدف است و اصاله دارد) و از (زندگانی) آخرت (که نتیجه واقعی زندگی دنیاست) سخت غافل‌اند.»

۳-۵. امر به معروف و نهی از منکر توسط زنان

یکی دیگر از راه‌کارهای تحقق امنیت اخلاقی در جامعه، دلسوزی و دعوت به خوبی‌ها و بازداري از بدی‌ها توسط افراد مؤمن و دلسوز می‌باشد که این مسئولیت بر دوش زنان نیز سنگینی می‌کند. آنها نیز باید در این باره احساس وظیفه کنند.

اقتضای این وظیفه آن است که خوبی‌ها و فضایل را تنها برای خود نخواهند؛ بلکه بکوشند خوبی‌ها را در سطح جامعه و جهان گسترش داده زشتی‌ها و بدی‌ها را از میان بردارند، به همین جهت در یک جامعه، شهر یا روستا همگی باید فضای محیط زندگی را پاکیزه نگهدارند.

پاک از آنچه بیماری جسم به وجود می‌آورد (بهداشت تن) و پاکیزه از آنچه بیماری جان و روح را تولید می‌کند (بهداشت روان). از این رو، به نظر می‌رسد که «امر به معروف و نهی از منکر»، سازمان بهداشت روان و اخلاق در جامعه اسلامی است و خدای سبحان حضور زنان و مردان را در این سازمان واجب ساخته و فرموده است: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران، آیه ۱۰۴)، باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آنها همه رستگارانند.

در آیه فوق دستور داده شده که همواره در میان مسلمانان باید امتی باشند که این دو وظیفه بزرگ اجتماعی را انجام دهند: مردم را به نیکی‌ها دعوت کنند و از بدی‌ها باز دارند و در پایان آیه تصریح می‌کند که فلاح و رستگاری تنها از این

راه ممکن است.

در باره اهمیت، ضرورت و آثار این فریضه الهی سخن بسیار گفته شده است؛ لکن با تمام این تلاش‌ها، هنوز این واجب دینی در سبک زندگی اسلامی جایگاه خود را نیافته است، در حالی که برخی از آیات قرآن کریم امر به معروف و نهی از منکر را از ویژگی‌های پیامبران و مؤمنان (زن و مرد) می‌داند. (اعراف، آیه ۱۵۷؛ حج، آیه ۴۱؛ توبه، آیه ۱۱۲؛ آل عمران، آیه ۱۱۴) و اصرار دارد که در هر جامعه‌ای از میان مردم، گروه‌های آمر به معروف و ناهی از منکر تشکیل گردد تا افراد را به نیکی دعوت و از کار بد نهی نماید. (آل عمران، آیه ۱۰۴).

روایات نیز برای امر به معروف و نهی از منکر جایگاه خاصی قائل شده است. به گونه‌ای که پیامبر اسلام کسی را که امر به معروف و نهی از منکر کند، جانشین خدا در زمین و جانشین رسول او و کتاب وی قلمداد کرده است. (نوری، ۱۴۰۸، ص ۱۷۹) و نیز امر به معروف و نهی از منکر نشانه دین‌داری و حیات افراد به حساب آمده است. (حرّ عاملی، ۱۴۹۰، ص ۳۹۹).

بهترین ثمره‌ای «امر به معروف و نهی از منکر»، اصلاح و تصحیح اخلاق و حفظ فرهنگ عمومی جامعه می‌باشد؛ چون نظارت عمومی و دیده‌بانی جمعی توسط افراد جامعه، زمینه ایجاد و رشد افکار انحرافی و رفتارهای ناهنجار را از بین می‌برد و باعث می‌شود ارزش‌ها و هنجارها در جامعه باقی مانده و روز به روز جلوه و تجلّی بیشتر پیدا کنند. به فرموده علامه طباطبایی: «دعوت به خیر، اعتقاد به حق را به وسیله تلقین و یاد آوری در دل‌ها تثبیت می‌کند و امر به معروف و نهی از منکر از ظهور عواملی که مانع رسوخ اعتقادات حق در نفوس جامعه است، جلوگیری می‌کند» (طباطبایی، ۱۳۷۸، ص ۱۳۱).

نتیجه‌گیری

از تحقیق حاضر نتایج زیر به دست می‌آید:

امنیت اخلاقی و اجتماعی ابعاد مختلف زندگی انسان را در برمی‌گیرد و از

رعایت پرهیزکاری در نگاه آغاز شده و گستره‌های دیگر نظیر رعایت حفظ حریم‌ها در فعالیت‌های اجتماعی، پرهیز از تبدیل آراستگی و زیبایی به ابتذال اخلاقی، پرهیز از تبرّج در مقابل مردان و... را شامل می‌شود.

الگوبرداری از سیره ائمه معصومین (ع) از مهم‌ترین راه‌هایی است که زنان می‌توانند از طریق آن امنیت اخلاقی را در جامعه ایجاد کنند که مهم‌ترین راه وصول به آن حجاب و پوشش اسلامی و آزادی فرهنگی برای بانوان می‌باشد. به همان اندازه که ریشه‌های عفاف در روح انسان تقویت شود، قطعاً نوع نگاه آن‌ها به فضائل اخلاقی عمیق‌تر می‌شود و از رذائل اخلاقی دوری می‌نمایند.

یکی از فضائل اخلاقی پاک‌دامنی و عفت است که این سجیه اخلاقی برحجاب نظارت مستقیم دارد در شریعت محمدی (ص) اهمیت فوق‌العاده‌ای به مسأله عفت و پاکدامنی داده شده است که با توجه به آیات الهی و روایات اهل بیت عصمت و طهارت (ع) و با عمل به این رهنمودها و دستورات، عفاف عمومی و سلامت اجتماعی تضمین می‌گردد.

گستره و ابعاد عفاف در قرآن کریم شامل عرصه رفتار فردی اجتماعی، کنترل نگاه‌های حرام، تبرّج و دوری از مصافحه و احتلاط با نامحرمان و کیفیت و محتوا در گفتار و... بوده که در نهایت با حجاب ارتباط نزدیکی دارند و کامل‌کننده هم هستند. پوشش یک بعد و یک عرصه از عفاف است و رابطه تنگاتنگی با یکدیگر دارند و برهم تأثیر و تأثر متقابل دارند.

سلوک رفتاری توأم با وقار در انتخاب لباس و پوشش، از عفاف درونی خبر می‌دهد و از طرفی نوع پوشش و لباس انسان، در شخصیت روحی، روانی، فرهنگی و دینی فرد مؤثر است. از این جاست که قرآن کریم زنانی را که در بهشت جای دارند به مروارید محجوب تشبیه کرده است.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. اسماعینی، رفیع‌الدین، حفیظه مهدیان، ویژگی‌ها و معیارهای عفاف و حیای شخصیت زن در جامعه اسلامی، ماهنامه علمی-ترویجی معرفت (ویژه جامعه‌شناسی)، سال ۲۳، شماره ۱۹۹، تیر ۱۳۹۳.
۲. آلوسی، شهاب‌الدین محمود، روح المعانی، ج ۱۲، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، بیروت، ۱۴۱۵.
۳. امام زین‌العابدین، صحیفه سجادیه، دفتر نشر الهادی، قم، ۱۳۷۶.
۴. بحرانی، سید هاشیم، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، قم دار التفسیر، ۱۳۷۵.
۵. بهشتی، احمد، خانواده در قرآن، قم، بوستان کتاب، بی‌تا.
۶. تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۶.
۷. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۱، نشر: مؤسسه آل‌البیت، قم، ۱۴۰۹.
۸. دهخدا، علی‌اکبر، لغتنامه دهخدا، ج ۵، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۹. ساروخانی، باقر، دایره‌المعارف علوم اجتماعی، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۷۵.
۱۰. شایگان، علی، در شرح قانون مدنی ایران.
۱۱. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرّسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷.
۱۲. طباطبایی، سید محمد حسین، روابط اجتماعی در اسلام، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۷.

۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۷-۸، تهران، انتشارات ناصر خسرو، سوم، ۱۳۷۲.
۱۴. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، قم، دار الکتب، سوم، ۱۳۶۳.
۱۵. کاظمی، بهرام اخوان، امنیت در نظام سیاسی اسلام، انتشارات کانون اندیشه جوان، چاپ دوم، ۱۳۸۶.
۱۶. کاوندی، سحر، انتصار فومنی، غلام حسین، رابطه حجاب با سلامت روانی و مصونیت اجتماعی، سحر کاوندی و غلام حسین، دوفصلنامه علمی-ترویجی بانوان شیعه سال هفتم، شماره ۵، پائیز و زمستان ۱۳۸۹.
۱۷. کلینی محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، تهران، قائم آل محمد، سوم، ۱۳۸۵.
۱۸. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۱۰۰، تهران، نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، موسسه انتشارات کتاب نشر، ۱۳۹۲.
۱۹. مجلسی، محمدتقی، روضه المتقین، ج ۸، قم، بنیاد فرهنگ اسلامی حاج محمدحسین کوشانبور، ۱۳۶۴.
۲۰. مطهری، مرتضی، مسأله حجاب، تهران، صدرا، پنجم، ۱۳۸۵.
۲۱. مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، تهران، صدرا، ۱۳۷۱.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، قم، انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۷۸.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴.